

اشکال سوم: آیه دلالت بر وجوب حفظ فرج از دیگران و تجاوز و تعدی به آن توسط اشخاص دیگر دارد نه از هر گونه حفظی، لذا اگر خود زن با فرج خود کاری انجام دهد و اسپرم مرد اجنبی را داخل رحم خود کند آیه از آن ساکت است و دلالتی ندارد لذا استدلال به آیه شریفه تمام نیست. پاسخ: از این اشکال می توان جواب داد که مقصود از حفظ فرج، حفظ فرج از تجاوز و تعدی نیست تا گفته شود اختصاص به حفظ فرج از اشخاص دیگر دارد بلکه تعبیر حفظ فرج کنایه از عدم استخدام و به کارگیری آن برای امور و افعالی است که مناسب با آن نیست و عرفاً از امور قبیحه و مستنکره شمرده می شود. حفظ فرج یعنی عدم به کارگیری آن در امری که شایسته آن نیست همانطور که معنای حفظ لسان هم عدم تکلم به زبان در موردی که شایسته آن نیست می باشد چه با دیگران و اشخاص دیگر باشد و چه با خود و نفس مثل گفتن کلمات شرک آمیز، و یا حفظ ید که مراد از آن حفظ ید از افعال ناشایست و قبیح با آن است چه نسبت به دیگران یا نسبت به خود مثل خودکشی. لذا معنای حفظ فرج اینست که افعال قبیح و ناشایست با آن صورت نگیرد. مضافاً بر اینکه اگر هم قبول کنیم که مقصود از حفظ فرج، حفظ آن از اشخاص دیگر است، باز هم تمام شئونات و متعلقات مربوط به افراد دیگر را شامل می شود، لذا اگر اسپرم و منی شخص دیگر وارد رحم زن شود هم مصداق تعدی و تجاوز شخص اجنبی به حساب می آید چون اسپرم مرد از توابع و شئون خود آن شخص اجنبی به حساب می آید و در صورت افراغ آن در رحم زن، عنوان حفظ فرج بر این زن صادق نخواهد بود. نتیجه بحث اینکه به نظر ما، دلالت آیه شریفه حفظ فرج بر حرمت تلقیح و افراغ منی اجنبی به رحم زن یا همان طلب ولد از اجنبی تمام است و انجام دادن این عمل منافات با حفظ فرج خواهد داشت.

آیه دوم: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً)^۱، در این آیه شریفه، حفظ فرج از ویژگی های انسان مؤمن بیان شده است و اطلاق حفظ فرج شامل حفظ فرج از هر چیزی که نسبت به آن قبیح و مستنکر به حساب می آید می شود لذا شامل محل بحث که طلب ولد از اجنبی و افراغ منی در رحم اجنبی است نیز خواهد شد.^۲ **مناقشه در استدلال به آیه:** نسبت به استدلال به آیه مبارکه اشکالاتی شده است: **اشکال اول)** از آیه کریمه وجوب حفظ فرج استفاده نمی شود^۳ چون صیغه امر و لسان وجوب در آیه وجود ندارد، فقط در مقام شمردن صفات انسان مؤمن است و بر این صفات وعده ثواب و پاداش داده شده است و مجرد وعده پاداش که دلالت بر وجوب عمل نمی کند بلکه فقط مطلوبیت و رجحان عمل از آن استفاده می شود، شاهد آن اینکه صفت حفظ فرج در بین صفاتی ذکر شده در آیه مثل خشوع و تواضع و ذکر و یاد خدا و... که قطعاً واجب نمی باشد. **اشکال دوم)** اینکه آیه در مقام بیان اوصاف مؤمنین به صورت مجمل است^۴ و در مقام بیان خصوصیات و تفصیل آن نمی باشد تا بتوان اطلاق گیری نمود و از شرائط تمسک به اطلاق اینست که مولا در مقام بیان جزئیات و تفصیل باشد، لذا نمی توان از حفظ فرج در آیه اطلاق گیری نمود تا شامل تمام افعال مناسب با فرج شود.

۱. الاحزاب/۳۵.

۲. القواعد المذاهب الخمسه، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳. سید محمد رضا سیستانی، وسائل الانجاب الصناعية، ص ۵۱.

۴. حسین شویابی جویباری، تقریرات مسائل مستحدثه، جلسه چهارم (۱۳۹۲/۶/۳۱).

اشکال سوم) همان طور که در روایات متعدد در تفسیر آیات حفظ فرج ذکر شده بود، مقصود از آیات حفظ فرج به غیر از آیه مبارکه سوره نور حفظ فرج از زنا است لذا حفظ فرج در آیه مبارکه اطلاق ندارد بلکه مقصود حفظ فرج از زنا است^۵ و شامل محل بحث که حفظ فرج از افراغ منی و طلب ولد باشد نمی‌شود. ولی این اشکال وارد نیست چون نسبت به آن روایات اشکال سندی شد علاوه بر اینکه حصر در آن روایات اضافی است به این معنا که آن روایات دلالت می‌کنند که بقیه آیات حفظ فرج از نظر را شامل نمی‌شوند، اما اینکه حفظ فرج در بقیه آیات فقط اختصاص به حفظ فرج از زنا داشته باشد و حفظ از افعال مناسب با فرج را شامل نشود، اول کلام است. نتیجه اینکه حداقل به خاطر وارد بودن اشکال اول و دوم، استدلال به آیه مبارکه برای حرمت صورت سوم تلقیح (افراغ منی در رحم اجنبی) تمام نخواهد بود.

آیه سوم: (وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ)^۶، تقریب استدلال به این آیه، نظیر آیات قبلی است که حفظ فرج اطلاق دارد و شامل حفظ فرج از طلب ولد نیز می‌شود. یعنی حتی بر مرد مؤمن واجب است که اسپرم خود را از رحم زنی که بر او اجنبی است حفظ نماید و از این راه طلب ولد ننماید. همچنین ذیل آیه (فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ) دلالت می‌کند که هر عمل منافی با حفظ فرج تعدی و تجاوز از حدود شرعی است مگر اینکه از راه ازدواج یا ملک شرعی انجام گیرد. و همان مناقشات و جواب‌هایی که در ذیل آیه اول بیان شد، خواهد آمد. اشکال اختصاصی که به آیه مبارکه شده اینست که این آیه قابل اطلاق‌گیری نیست^۷ چون به قرینه آیات قبل و بعد که در مقام توصیف انسان‌های مؤمن و نمازگزار است، آیه در مقام بیان تفصیل خصوصیات نیست بلکه به نحو اجمال می‌گوید که از خصوصیات انسان مؤمن اینست که حفظ فرج می‌کند. و چون در مقام بیان خصوصیات نیست نمی‌توان اطلاق‌گیری کرد تا بگوییم حتی حفظ فرج از طلب ولد که محل بحث ما است را نیز شامل می‌شود. جواب از این اشکال اینست که قرینه‌ای وجود ندارد که بگوییم اوصاف به نحو اجمالی است و اصل اولی در هر دلیل و خطابی که به عنوان موضوع حکم و متعلق آن ذکر می‌شود اینست که در مقام بیان تمام خصوصیات حکم باشد و الا در مقام اجمال بودن قرینه خاصه می‌خواهد. همچنین ذیل آیه (فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ) که دلالت دارد هر عمل و کار منافی با حفظ فرج، تعدی و تجاوز از حدود الهی است شاهد بر اینست که آیه در مقام بیان تفصیل خصوصیات و بیان حکم شرعی می‌باشد و در مقام اجمال گویی نیست. اشکالی دیگری که بر استدلال به این آیه شریفه شده است^۸ این که آیه اختصاص به حفظ فرج بر مردان دارد چون در آن صیغه جمع مذکر آمده است لذا اگر مردی از طریق حلال با زن خود نزدیکی کند و بعد اسپرم خود را در آزمایشگاه نگهداری کند و بعد زن اجنبی بدون اطلاع او بیاید و این اسپرم را داخل رحم خود کند اینجا عملی که منافات با حفظ فرج توسط مرد باشد انجام نگرفته است، لذا آیه شامل این مورد نخواهد شد و لازم می‌آید که این فرض جایز باشد. جواب از این اشکال اینست که حفظ فرج در آیه شریفه برای شخص مکلف ثابت شده است و زن و مرد بودن دخالتی در آن ندارد همانطور که در بسیاری از آیات قرآن خطابات جمع مذکر کنایه از جنس و طبیعی مکلف است و زن و مرد بودن در آن دخالت ندارد. لذا حفظ فرج بر زن مسلمان هم واجب است چنانچه در آیات دیگر قرآن این معنا آمده است و در آیه دوم، در سوره مبارکه احزاب به صورت عطف آمده: (وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ)، لذا وظیفه حفظ فرج اختصاص به مردها ندارد بلکه وظیفه هر فرد مسلمان و مکلف است. بنا بر این بر زن مسلمان هم حرام است که اجازه دهد اسپرم غیر شوهرش در رحم او وارد شود و این عمل منافات با حفظ فرج بر او دارد. و لذا اگر مرد با اختیار خودش اسپرم‌اش را در اختیار زن اجنبی قرار دهد و او آن را داخل رحم خود کند دو حرام واقع خواهد شد یکی مربوط به مرد و دیگری مربوط به زن.

^۵. سید محمد رضا سیستانی، وسائل الانجاب الصناعية، ص ۵۱؛

^۶. المؤمنون/ ۵- ۷ و المعارج/ ۲۹ - ۳۱.

^۷. سید محسن خرازی، التلقیح، مجله فقه اهل بیت، ج ۱۶، ص ۱۰۳.

^۸. سید محمد رضا سیستانی، وسائل الانجاب الصناعية، ص ۵۲؛ محمدجواد فاضل لنکرانی، بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، ص ۹۸.